

خوش خرامان می روی ای جان جان بی من مرو*

یادی از شهید مشهدی مدافع حرم، حسین هریری که ۲۲ آبان ۱۳۹۵ در منطقه حلب سوریه به شهادت رسید

عملیات پاک سازی تدمر

چند روزی بود هیچ اثری از داعشی ها توی شهر تدمر نبود. شهر پاک سازی شده بود و این تازه ابتدای کار حسین و رفقایش بود. شهری خالی، مرده و مرموز که با وجود تله های انفجاری روی زمین و توی خانه ها، قدم زدن در شهر دشوار می شد. حسین و هم رزمایش زمانی به تدمر رسیدند که انبار بمب سازی داعشی ها، او و دوستانش را روزها به خود مشغول می کرد. مهماتی که هر کدام قدرت تخریب ویران کننده ای داشتند و ساز و کار هر کدام، مستلزم روزها بررسی بود. حالا باید دوره ای افتادند توی شهر و یکی یکی بمب های جاساز شده را خنثی می کردند. خیلی زود حسین و دیگر رزمندگان یاد گرفتند چطور در تقابل با هر مین یا تله انفجاری، عمل کنند. هر آنچه در دوره های آموزش نظامی دیده بودند، به علاوه تجربیات میدانی و خطر کردن های جسورانه، از آن ها مهندسانی ساخته بود که می توانستند از پس هر جزو مین و بمب و تله ای بر بیایند. نبرد پایایی حق علیه باطل، با این حال، هر شب با خاموشی آسمان تدمر، نیروهای داعشی از مخفیگاه های زیرزمینی خود بیرون می آمدند و مثل ارواح متحرک در شهر می گشتند و زمین تدمر را برای نیروهای مدافع حرم ناامن می کردند. بمب هایی با کنترل از راه دور که هر بار در روز، حسین و هم رزمایش را غافل گیر می کرد. انتحاری ها گاه به گاه تلفات می گرفتند و کار برای رزمندگان دشوارتر می شد.

رواق دار الحجه حرم مطهر

این سه چهار ماه ابتدای عقد، حلاوت بی تکراری دارد. حسین در حالی پله پله برقی های رواق دار الحجه را بالای آید که شانه به شانه دختر رویاهای خود ایستاده. دختری که او نیز همیشه آرزو داشته با مریدی را قبل از ازدواج ببیند که در راه حسین^ع و فرزندان قدم برمی دارد. انگار نه انگار سفرهای گاه و بیگاه حسین به مناطق جنگی، سرزشت نامعلومی دارد. همسر حسین، از جنس خود اوست. دغدغه های مشترکی دارند. دوستش دارد و بلا تکلیف نیست. روزی که نشسته بودند توی اتاق و داشتند سنگ هایشان را قبل از ازدواج وامی کنند. گفته بود مرگ، تقدیر تمام آدم هاست، اما ملاقات با مرگ در ستر خانه یا سنگر جهاد، انتخابی است که به هر آدمی واگذار شده. دل حسین همانجا قرق شده بود. او همان



آزاده چشمه سنگی نویسنده

دیدم که جانم می رود

پدر خودش کاسه آب را پشت سر حسین ریخت. گلبرگ ها روی آب می لرزیدند. عین لب های مادر که تقلا می کرد حریف اشک ها شود. اما نمی شد. نمی توانست. خودش جواز رفتن را داده بود. بی هیچ شرط و شروطی. خودش آخرین بار که از حرم برمی گشت آرزو کرده بود اقیبیت به خیر شود، اما مادر بود. حالا باید با همان دست هایی که روزی دکمه های پیراهن دامادی اش راسته بود، قرآن روی دست می گرفت تا بدرقه اش کند. دم رفتنی انگار قدم هاش می آمد. به چشم پدرش رسیدت می آمد. توی دل بابا رخت می شستند. به روی خودش نمی آورد. مرد بود و ستون خانه. اگر گناه هاش می لرزید، بغض مادر می شکست. دم رفتنی، دو سه باری پیشانی اش را بوسید. جوری که انگار این بار آخر است. کاسه آب را از مادر گرفت. گلبرگ ها، پخش خیابان شد. حسین داشت می رفت، چون رفتن جان از بدن ... حاج عباس همین طور که دور شدن حسین را از پشت پرده اشک تماشا می کرد، زیر لب می خواند، خوش خرامان می روی ای جان جان بی من مرو ای حیات دوستان در بوستان بی من مرو....

خبر کوتاه بود

ایام اربعین است. مادر گام هایش را به آهستگی در کوچه های نجف می کشاند و به یاد آخرین سفر که با حسین به این سرزمین آمده بودند، خاطره بازی می کند. نگاهش را به پیاده می آورد که با ایروهای درهم کشیده به هجوم زوار برابر مغازه های نجف نگاه می کرد و سری از روی آساف تکان می داد و به مادرش می گفت چرا باید از سفر کرپلا کنن به سوغات بری؟ حسین^ع مگر گفت داشت؟ مادر این ها را می شنید و همین طور که قند توی دلش آب می شد، حیرت می کرد از عمق نگاه او. حسین حالا حلب بود و مادر به شوق زیارت و تسکین دل



SHAHRARANEWS.IR
شنبه
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

روزنامه فرهنگی - اجتماعی - اطلاع رسانی
 صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
 مدیر مسئول: سید مؤتمن موسوی مهر
 سردبیر: سید مسجد طلوع هاشمی
 نشانی: خیابان کوهسنگی
 ابتدای کوهسنگی ۱۵
 دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸
 شماره تماس: ۰۵۱-۳۷۲۸۴۹۰۳۸۴
 وبسایت: ۰۵۱-۳۷۲۸۴۹۰۳۸۴
 شماره پیامک: ۳۰۰۷۷۸۹

دما: ۱۸°
 رطوبت: ۵۵٪
 باد: ۶°

صبح ۱۷
 ظهر ۱۷
 عصر ۱۴
 شب ۹

اذان ظهر ۱۱:۵۵:۴۴
 نیمه شب شرعی ۲۲:۳۲:۱۷
 غروب آفتاب ۱۶:۲۵:۱۹
 اذان صبح فردا ۰۴:۳۹:۵۷
 اذان مغرب ۱۶:۴۴:۴۴
 طلوع آفتاب فردا ۰۶:۰۷:۰۹

کارتون شهر



تتها ۵ درصد مردم کشور می توانند سوار هواپیما شوند.
 مجید ادیبی

حکایت پایتخت اندونزی در اروپای شرقی

در روزگاران قدیم، در یکی از شهرهای یکی از کشورهای اروپای شرقی، دزدی مرد صاحب خانه که گوش هایش تیز بود و متوجه حضور دزد شده بود، همسرش را از خواب بیدار کرد و گفت: ای همسر، دزدی به خانه آمده است. همسرش گفت: وای، اسلحه ات کجاست؟ مرد صاحب خانه گفت: اسلحه من در آن یکی اتاق است و اگر بروم و آن را بردارم دزد مرا می بیند. زن گفت: حالا چه کار کنیم؟ مرد گفت: همین الان فکر مناسبی به ذهنم خطور کرد. من خودم را به خواب می زنم و تو با حالتی طبیعی از من بپرسی که این همه مال و اموال را از کجا آوردی. همسرش را به خواب زد. زن وی را صدا کرد و گفت: ای همسر، به طور طبیعی به من بگو این همه مال و اموال را از کجا آوردی؟ صاحب خانه گفت: حالوای موقه؟ زن گفت: حالا بگو. مرد گفت: ول کن. این یک راز است. زن گفت: ای بابا، بگو دیگر. مرد گفت: می ترسم کسی بشنود و در دسر شود. زن گفت: الان که کسی اینجا نیست. مرد گفت: باشد، می گویم، ولی به کسی نگو. وی افزود: من این اموال و املاک و مستغلات را از راه دزدی به دست آورده ام. زن گفت: واقعا؟ چطور؟ مرد گفت: من وردی جادویی بلد بودم. خانه اعیان و اشراف را پیدا می کردم و دم در می ایستادم و سه بار می گفتم جا کارتار و نامرئی می شدم. سپس وارد خانه می شدم و هر چیزی قیمتی را که می دیدم به آن نگاه

تفاوت جدایافته

تمایز با سیب گاززده!

چرا برای آیفون سرودست می شکنیم؟

این روند نشان دهنده پیچیدگی ها و هزینه های بالایی است که کاربران برای استفاده از این دستگاه باید متحمل شوند. با این حال، نه تنها اشتیاق افراد برای در دست گرفتن آیفون کم نمی شود، بلکه این محصول به عنوان یک کالای خاص، که دسترسی به آن سخت تر است و در نتیجه ارزش بیشتری دارد، مورد اقبال عمومی قرار می گیرد. جالب اینکه بخش اعظمی از کاربران آیفون، برای استفاده از نرم افزارهای داخلی نیز با مشکل روبه رو هستند و حتی برخی از ایشان، نمی توانند از نرم افزارهای بانکی به خوبی استفاده کنند. اما این محدودیت باز هم باعث بهره نبرد شدن که برخی، عطای آیفون را به لقایش بیخشند.

پدیده نروتمندنامی

بررسی ها نشان می دهند که آیفون برای بسیاری از افراد به عنوان نمادی از قدرت خرید تلقی می شود. از این حیث، آیفون شایهت درخور توجهی به نگهداری از حیوانات خانگی دارد. بر کسی پوشیده نیست که طی یک دهه اخیر نگهداری حیوانات خانگی در ایران به شکل غریبی افزایش داشته و ابعاد ماجرا زمانی عجیب تر می شود که بدانیم هزینه های نگهداری یک حیوان خانگی گاهی تنه به تنه هزینه های جاری زندگی یک انسان می زند. با این همه، عده ای حاضرند برای این موضوع هزینه کنند؛ در حالی که ممکن است تمکن مالی چندانی هم نداشته باشند.

مشکلات رجیستری و معضلات اقتصادی

در کنار این علاقه عمومی، خرید آیفون با چالش های متعددی همراه است. افرادی که قصد خرید آیفون های جدید را دارند، باید با مشکلات مربوط به رجیستری و تعرفه های واردات روبه رو شوند. برای مثال، در جریان رجیستری شدن آیفون ۱۶، ابتدا تعرفه ۹۶ درصدی تعیین شد که بعد ها با شکل گیری یک مطالبه فاکتور دولت را وادار به عقب نشینی و کاهش این تعرفه گرد.



عکس روز

جشنواره تئاتر استانی در پرده آخر

سی و چهارمین جشنواره تئاتر استانی خراسان رضوی (رضوان) در دو بخش صحنه ای و خیابانی امروز به کار خود پایان داد. مراسم اختتامیه این رویداد، امشب در سالن اصلی تئاتر شهر مشهد برگزار می شود.